



جهانگردی در تاریخ و آیات و روایات

نویسنده: معرفت، محمد هادی

علوم قرآن و حدیث :: پژوهش نامه قرآن و حدیث :: بهار و تابستان 1382 - پیش شماره 1
از 31 تا 40

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/1534>

دانلود شده توسط : جعفر رضانی

تاریخ دانلود : 1393/06/04 01:31:47

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

جهانگردی در تاریخ و آیات و روایات

آیت الله محمد هادی معرفت
استاد حوزه و دانشگاه



چکیده

جهانگردی در متون قرآنی و حدیثی با تعبیر هجرت و مهاجرت آمده است و آن برای نخستین بار در تاریخ اسلام در اوایل بعثت اتفاق افتاد؛ اما به تدریج به یک سنت تبدیل شد و آثار مطلوبی به جا نهاد که در این مقاله تفصیل آن خواهد آمد.

کلید واژه‌ها: جهانگردی، هجرت، مهاجرت، سفر، سیاحت.

۱. مقدمه

هجرت و جهانگردی یک سنت دیرینه اسلامی است و آثار مطلوبی در پی دارد و باید شرایط مساعد توسعه آن را فراهم آورد؛ منتها باید از آن به نحو شایسته‌ای بهره برداری کرد.

۲. پیشینه جهانگردی در اسلام

جهانگردی در اسلام از همان آغاز که با نام هجرت شروع شد. همواره در طول تاریخ اسلام ادامه داشت. گرچه در آغاز برای رهایی از شکنجه و آزار دشمنان صورت

می‌گرفت، ولی بیشتر هدف از آن تقویت اسلام و نشر آثار و فرهنگ اسلامی بوده‌است. نخستین هجرتی که در اسلام رخ داد، هجرت حدود ۸۵ نفر از جوانان تازه‌مسلمان بود که با دستور پیامبر اسلام مکه را به قصد حبشه ترک گفتند (سیره ابن هشام، ج ۱ ص ۳۴۴-۳۶۰) و آیین اسلام به دست این مهاجرین در دیار حبشه شهرت یافت. در دوران خلفا پس از رحلت پیامبر، هجرت به اطراف کشور و آگاهی از اوضاع و احوال کشورهای مجاور صورت می‌گرفت و از جانب خلفا هیئت‌های رسمی گسیل می‌شوند تا کسب اطلاع کرده، ضمناً زمینه را برای توسعه و نشر فرهنگ اسلامی آماده سازند. علاوه بر هیئت‌های سیاسی که به منظور برقراری روابط دیپلماتی اعزام می‌شدند، در قرن سوم و چهارم هجری شخصیات بارزی به جهانگردی دست زدند و آثار گران‌بهایی از خود به یادگار گذاردند.

از جمله احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی (ت حدود ۲۹۰ق) که او را بخاتة فی التاریخ و اخبار البلدان یاد می‌کنند. او در دو زمینه تاریخ و جغرافی محقق فرزانه‌ای به شمار می‌رود. شرق و غرب کشورهای آسیای میانه و دور را گردیده و اطلاعات زیادی فراهم ساخته‌است. او به تمامی بلاد فارس و ارمنستان و سپس شبه قاره هند و کشورهای عربی و آفریقایی، مغرب و اندلس (اسپانیا) سفر کرده بود و عادت او بر این بود که از چگونگی احوال و اوضاع اجتماعی - سیاسی کشورها به خوبی آگاه شود. از جمله آثار وی تاریخ گسترده اوست که در آن رخدادهای تاریخی را تا پایان سال ۲۵۹ آورده‌است. دیگر کتاب البلدان است که در شناخت اوضاع اجتماعی و فرهنگی و جغرافی شهرها از منابع ارزشمندی به شمار می‌رود و نیز کتاب اخبار الامم و مشاکلة الناس لزمانهم و کتاب الممالک و المسالک و جز اینها.

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (ت ۳۴۶ق) صاحب مروج الذهب از بزرگترین جهانگردان اسلامی به شمار می‌رود. او را با عنوان الرحالة الكبير والمورخ الخبير یاد می‌کنند. او بیشترین کشورهای مجاور را گردیده و با شخصیات و رجال بزرگ ملاقات داشته و اخبار دست اول را از افراد ذریب‌ط به دست آورده‌است.

ولادت او در بغداد بود و به مصر و بلاد مغرب سفر نمود و در راه تحصیل دانش تا اقصی بلاد را پیمود. از همان ابتدای قرن چهارم به تمامی بلاد فارس، سپس شبه قاره هند تا آسیای دور و حتی جزیره سیلان و دریای هند سفر کرد. کشور پهناور چین و ماورای آن را دید و در اواخر نیمه اول همین قرن تمامی کشورهای عربی و آسیای میانه را پیمود و

همواره در کسب اطلاعات بود.

او در این زمینه آثار گرانبهایی از خود باقی گذارد که از جمله آنها مروج الذهب، اخبار الزمان، التنبیه و الاشراف، و جز آنهاست که امروزه مورد بهره‌برداری بسیار است. عبید الله بن خرداد به (ت ۳۸۰/۳۰۰) از ایرانیان دانشمند و جغرافی دان بزرگ به شمار می‌رود. در دائرةالمعارف اسلامی از او با عنوان جغرافی عظیم من اصل فارسی یاد شده است (ج ۱، ص ۱۴۹). کتاب او المسالک و الممالک و نیز جمهرة انساب الفرس از بهترین کتاب‌ها در این زمینه شناخته شده است. در دائرةالمعارف آمده است: «او از معتبرترین افراد مورد وثوق آن زمان بهره گرفته است. سرپرستی پست ویژه در خطه طبرستان و جمع آوری اخبار بلاد و شهرها به دو واگذار شده بود.

بلخی ابوزید احمد بن سهل (ت ۳۲۲ق) جغرافی دان معروف در شهرکی به نام شاستیان نزدیکی بلخ دیده به جهان گشود. او از دانشمندان به نام و بر مذهب تشیع بود. او و کندی فیلسوف معروف فلسفه و جغرافیا را نزد ابی علی جیهانی فراگرفت. کتاب او به نام صور الاقالیم معروف است.

اصطخری ابو اسحاق ابراهیم بن محمد فارسی (ت ۳۴۰ق) جغرافی دان نامی کتابی با نام تقویم البلدان نگاشته که به نام المسالک و الممالک معروف گشته است. او این کتاب را مانند سابقین خود با گشت و سیاحت در بلاد جمع و تدوین کرده است.

ابن حوقل ابوالقاسم محمد بن حوقل (ت حدود ۳۵۰ق) که با عنوان رحاله جهانگرد سخت‌کوش و جغرافی دان فرزانه، مشهور گشته است، تمامی کشورهای اسلامی را شرقاً و غرباً پیموده و با دقتی کامل معلومات فراوانی از این کشورها فراهم آورده و از نوشته‌های پیشین خود، مانند نوشته‌های ابن خرداد به و وزیر جیهانی و قدامه نیز بهره گرفته است. اصطخری از او خواست تا نقشه‌های جغرافی او را تنظیم دهد و دقت بیشتری بخشد که ابن حوقل تقریباً همان نوشته‌ها را با معلومات فراهم آورده خود تکمیل و کتاب المسالک و الممالک را از رهگذر آن تألیف نمود.

أبو دُلفِ مِشعَر بن مُهلَهل خزرچی (ت حدود ۳۹۰ق) شاعری نغز نمکین گفتار که شهره آفاق بود و بیشتر با صاحب بن عباد رفت و آمد داشت و از مساعدت‌های وی برخوردار بود و در سفرها از کتاب‌های او بهره‌مند می‌شد. او شاعر رحاله وصف شده و او اولین جهانگرد اسلامی به شمار آمده است. بیشتر عمر خود را که از نود سال گذشت، در سفرهای دور و دراز صرف نمود. شوق فراوانی در آگاهی یافتن از عادات و رسوم

آداب ملت‌های مختلف داشت. عمان و رامهرمز و هند و کشمیر و افغانستان را گردید. سفرنامه او به نام *عجائب البلدان* معروف است. یاقوت حموی و قزوینی صاحب کتاب *عجائب المخلوقات* از آن بهره جسته‌اند. یاقوت حموی در وصف شهرک دورق در خوزستان مشاهدات قابل توجهی از کتاب او نقل می‌کند که از دقت کاملی حکایت دارد. حکیم ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ق) از حکما و متکلمین نامی در قبادیان حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل و علوم و معارف و تحقیق پرداخت و ادیب و شاعری فرزانه بود. نخست به کارهای دیوانی مشغول و سپس رها کرد و به جهانگردی و سیر در آفاق و انفس پرداخت. در سفر هفت‌ساله خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید و به خطه خراسان رحل اقامت گزید؛ ولی آزارها دید و به ناچار به کنج عزلت در *یمکان بدخشان* خزید و سفرنامه معروف خود را در آنجا به سال ۴۴۴ به رشته تحریر در آورد و دیگر کتاب *زادالمسافرین* است که پس از مراجعت از سفر خراسان و مازندران و طبرستان نگاشت.

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی ریاضی دان و فیلسوف نامی (۳۶۲-۴۴۰ق) در بیرون یکی از قلعه‌های داخل حدود خوارزم به دنیا آمد. او را با نام *الفیلسوف الریاضی الفلکی الجوّاب* یاد می‌کنند. «جوّاب» به معنای جهانگرد سخت کوش است. ولع شدیدی به سیر و سیاحت و سفر در آفاق داشت. دوستار آگاهی از اوضاع جغرافی و بهره‌گیری از مظاهر طبیعت بود. سفر پر ثمری به شبه‌قاره هندوستان داشت و تمامی نواحی آن را گردید و با آداب و فرهنگ مردم آن زمین پهناور از نزدیک آشنا شد و کتاب *تحقیق ماللهند* او از گران‌بهارترین منابع شناخت احوال و اوضاع هند در آن زمان به شمار می‌رود.

ابو عبید بکری عبدالله بن عبدالعزیز اندلسی (ت ۴۸۷ق) پس از سفرهای طولانی در شرق و غرب کتابی در شناخت شهرها و کشورها و احوال و اوضاع بلاد به نام *المسالک والممالک* نگاشت.

ابن جبیر ابوالحسن محمد بن احمد کنانی اندلسی (۵۴۰-۶۱۴ق) ادیب و شاعری فرزانه و دوستار علم و شناخت آثار و احوال بلاد بود. او را با عنوان *رحالة ادیب* یاد کرده‌اند. به سیر و سیاحت علاقه فراوان داشت. سه مسافرت کنجکاوانه به شرق کشورهای اسلامی دارد که در سفر سوم در اسکندریه بدرود حیات گفت و در همین سفر اخیر سفرنامه خود را به نام *رحلة ابن جبیر* یا عباراتی نغز و شیوا و پرمحتوا به رشته تحریر در آورد. امتیاز آن بر *رحلة ابن بطوطه* صداقت و دقت فراوان و خالی از مبالغه

بودن گزارش‌های آن است.

ابن سعید مغربی علی بن موسی ابوالحسن (ت ۶۸۵ق) از نواده‌های صحابی جلیل عمار بن یاسر مؤرخ، شاعر، ادیب و دانشمندی فرزانه بود. زادگاه او شهرکی در نزدیکی غرناطه (اندلس) و در آن دیار شهره آفاق گشت. علاقه فراوان به گشت و سیاحت داشت. به کشورهای اسلامی مصر و عراق و شام سفر طولانی داشت و گزارش‌های خود را در این سفر در کتابی به نام *المغرب گردآوری نمود* و پیوسته در سیر و سفر بود تا در ۷۵ سالگی در دمشق بدرود حیات گفت.

ابن بطوطه محمد بن عبدالله بن محمد (۷۰۳ - ۷۷۹ق) جهانگرد نامی تمامی کشورهای اسلامی و آسیای دور را در مدت ۲۷ سال گردید و معلومات ارزنده‌ای از این کشورها و آداب و رسوم ملت‌های گوناگون فراهم آورد. او را با نام *امیرالرحالین* (سرآمد جهانگردان) یاد می‌کنند. سفرنامه او نیاز به وصف ندارد و از شهرت به سزایی برخوردار است و با ارزشترین سفرنامه‌های علمی به شمار می‌رود که تا امروز از معلومات و مندرجات آن بهره‌مند می‌شوند. بسیاری از مشاهدات او امروزه در شناخت برخی حیوانات و گیاهان، علاوه بر مسایل جغرافی و فرهنگی مورد استفاده است. غربیان به این سفرنامه عنایت خاصی دارند و این کتاب شهرت جهانی یافته است.

اینها نمونه‌هایی است از جهانگردان جهان اسلام که جهانگردی را وسیله شناخت و نشر معارف و تبادل افکار و اندیشه‌های علمی و فرهنگی قرار داده‌اند و «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ؛ به گشت و گذار در پهنای زمین بپردازید» (توبه، آیه ۴) را به منظور «فَانظُرُوا إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ؛ آثار گستره رحمت الهی را مشاهده کنید» (روم، آیه ۵۰) انجام داده‌اند و آیه «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَمَنَعُوا أَن يُرْجُوا فِيهَا فَأَمَّنَ بِهَا» (آیه ۱۰۱) را به یاد داشتند که با آن بیندیشند «(حج، آیه ۴۶) و آیه «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ؛ بگو: در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است» (عنکبوت، آیه ۲۰) را نصب العین خود قرار داده‌اند.

۲. آثار مطلوب جهانگردی

قرآن کریم و روایات، از جهانگردی با نام مهاجرت یاد کرده و به آن ترغیب نموده و آن را از اسباب توسعه فرهنگی و اقتصادی شمرده است: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي

الْأَرْضِ مُرَاغِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً؛ هر که در راه خدا مهاجرت کند، در پهنای زمین آسایش بیشتر و گشایشی به دست خواهد آورد» (نساء، آیه ۱۰۰). این آسایش و گشایش، هر دو جهت مادی و معنوی را شامل می‌شود. گسترش اقتصادی (تجارت و صنعت) هماهنگ با گسترش فرهنگی و علمی و سیاسی پیش می‌رود.

جهانگردی در گذشته با عنوان روابط تجاری و اقتصادی صورت گرفته است. تجار مسلمان، پیام اسلام را نیز با خود همراه می‌بردند و بسیاری از ملتها در افریقا و آسیای دور از همین راه به آیین اسلام تشرّف یافتند. پس از آن اهداف سیاسی و علمی و فرهنگی نیز در جهانگردی مسلمانان مطرح شد و از این سفرها و جهانگردی‌ها ذخایر فراوان حاصل شد. مسلمانان به مصداق آیه کریمه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات، آیه ۱۲) نسبت به تمدن ملت‌های گوناگون آشنایی حاصل کردند و با بهره‌گیری از دستاوردهای مختلف جهانیان تمدنی گسترده و استوار برای خود فراهم ساختند.

در این آیه یادآور می‌شود همه مردم از یک پدر و مادر پدید آمده‌اند؛ لذا همه برادر و برابرنند، و این اختلاف نژادها و ملیت‌ها که جهانیان را به دسته‌ها و گروه‌های گوناگون در آورده، هرگز آنها را از هم جدا نساخته‌است؛ بلکه هر گروه بر حسب استعدادها و شرایط موجود خود دستاوردهایی دارند که باید مورد مبادله قرار گیرد و هر گروه با آشنا شدن با فرهنگ و تمدن دیگر گروه‌ها، بهترین و شایسته‌ترین را برای خود انتخاب کنند و با این انتخاب متقابل، سطح فرهنگ و علم بشری گسترش یافته، روز به روز ارتقا پیدا کند. آیه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ بشارت باد بندگان شایسته ما را که گوش فرا می‌دهند و بهترین را انتخاب کرده، پیروی می‌کنند» (زمر، آیه ۱۷ و ۱۸) به همین حقیقت اشارت دارد. این که آدمی با دستاوردهای دیگران آشنا شود و بهترین و شایسته‌ترین آنها را تشخیص داده، برگزیند، انتخاب‌است؛ نه تقلید.

زنده کردن جهانگردی، این‌گونه نتایج نیک و شایسته و بلکه ضروری را به دنبال دارد. آورده‌اند که در سفر پنج فایده‌است: زدودن غم از دل، کسب معیشت، به دست آوردن علم، آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون، دوست‌یابی، آن هم با افراد شایسته که در سفر شناخته می‌شوند.

در روایات، تعابیری از قبیل سفر و سیر و سیاحت و هجرت در طلب علم و کسب معیشت بسیار به چشم می‌خورد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «سافروا تصحوا سافروا تغنموا؛ مسافرت کنید تا سالم باشید و مسافرت کنید تا استفاده ببرید» (معاسن برقی، ج ۲، ص ۳۴۵).

در حدیث از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «اوصی امتی بخمس: بالسمع، والطاعة، والهجرة، والجهاد، والجماعة؛ من اتمم را به پنج چیز سفارش می‌کنم: به گوش فرادادن، فرمانبرداری، جهانگردی، جهاد و وحدت» (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۹). بی تردید در این روایت مراد از هجرت هجرت از مکه به مدینه نیست؛ زیرا «لا هجرة بعد الفتح؛ پس از فتح مکه هجرت معنا ندارد» (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۷۵)؛ لذا مقصود، هجرت از مناطقی جهل زده به مراکز علمی است.

۳. جلب جهانگرد

در جلب جهانگردان دو هدف اساسی یعنی آشنایی با فرهنگ و تمدن ملت‌ها، و نشر تعالیم اسلامی و تبلیغ باید منظور باشد. البته پی آمدهای اقتصادی و سیاسی هم به دنبال دارد؛ ولی هدف اصلی یک کشور اسلامی که داعیه تبلیغ رسالت دارد، همان آشنا کردن بیگانگان با فرهنگ و تمدن اسلامی است و اهداف دیگر بایستی در رتبه دوم قرار گیرند. بسیاری از بیگانگان آوازه اسلام را از دور شنیده‌اند؛ ولی نمی‌دانند چقدر در پیشرفت تمدن بشری تأثیرگذار بوده، و چه نوآوری‌هایی برای بهتر ساختن حیات جامعه انسانی به ارمغان آورده است. آنان نمی‌دانند، اسلام تنها برای ساختن حیات پس از مرگ نیست. «وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن» (قصص، آیه ۷۷).

خداوند انسان را آفریده است تا حیات دنیا را، پیش از حیات آخرت، آباد سازد و آباد ساختن حیات آخرت به آباد ساختن حیات دنیوی بستگی دارد. «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را برای آباد ساختن آماده کرد.» (هود، آیه ۶۱)؛ پس آدمی وظیفه دارد تا در آبادی زمین بکوشد و این هدف و خواسته خدایی را جامعه عمل پیوشاند.

ذوق سرشار و خلاقیت و هنر اسلامی - که بر دست توانای اسلام باوران فرزانه و فرهیختگان شایسته جهان اسلام، چه در رشته ادب یا فرهنگ یا هنر یا علم یا صنعت و آثار هنری و نوشتاری مسلمانان در طول تاریخ با شکوه اسلامی پدید آمده و در ساختن تمدن بشری نقش اساسی داشته و اسلام را دین زندگان معرفی می‌کند، نه دین مردگان، باید در معرض و دید شیفتگان تمدن‌های اصیل، و پورندگان آثار هنری و علمی بشر قرار

گیرد و این تنها با جلب جهانگردان شیفته میسر است. خداوند درباره بیگانگان از دین توحیدی که به محیط اسلامی روی می آورند، می فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود؛ سپس او را به مکان امنش برسان، چرا که آنان قومی نادانند.» (توبه، آیه ۶)

نیز اسلام تحت عنوان مؤلفه قلبیهم سهمی از زکات را برای کسانی که خارج ملت اند قرار داده تا دل های آنان را به سوی اسلام جذب کند و گرایش دینی و اسلامی در درونشان ایجاد نماید؛ لذا وظیفه دولت اسلامی است تا امکانات جلب جهانگردان را به سرزمین اسلامی - که اصالت اسلامی بر آن حاکم است - فراهم سازد.

ضمناً بایستی برنامه جلب جهانگردان بیگانه به گونه ای تنظیم شود که بیشتر تحت تأثیر قرار گیرند. اگر جلب جهانگردان به گونه ای باشد که احیاناً فرهنگ منحط خود را در معرض نمایش دلباختگان اجانب قرار دهند و از این راه عده ای فریب خورده شوند و گمان برند فرهنگ و تمدن و آزادی همان است که آنان همراه خود آورده اند، در آن صورت خطر عظیمی جامعه اسلامی را تهدید خواهد نمود و مخصوصاً قشر زودباور که هنوز در حالت خامی به سر می برند، تحت تأثیر قرار گرفته، خواه و ناخواه، گرایش های اسلامی و ملی آنان به سستی می گراید.

۴. نتیجه

جهانگردی که در آیات و روایات از آن به هجرت و مهاجرت تعبیر شده، پیشینه آن به صدر اسلام می رسد که برای اولین بار شماری از مسلمانان به منظور حفظ جان خود از مکه به حبشه نزد نجاشی رفتند؛ اما بعد هجرت به یک سنت جاری اسلامی تبدیل شد و از این رهگذر عالمان و جغرافی دانان بسیاری در میان مسلمانان ظاهر شدند و آثار گران سنگی به جا نهادند. هجرت و جهانگردی با اهداف مختلفی صورت گرفته است. گاهی به قصد حفظ جان و گاهی به منظور تجارت و زمانی به نیت طلب علم و باری به جهت تبلیغ دین بوده است. این پدیده می تواند آثار مطلوبی بر جای نهد. از سویی رونق اقتصادی و از سویی دیگر تبادل علمی و فرهنگی به دنبال داشته باشد. منتها نباید وسیله هجمه فرهنگی قرار بگیرد؛ بلکه باید از رهگذر آن فرهنگ قرآنی و اسلامی ترویج پیدا کند.

قرآن کریم

نهج البلاغة، تحقیق شیخ محمد عبده، بی جا، بیروت، دار المعرفة، بی تا

دائرة المعارف الاسلامية، ترجمه عربی

آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۳، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق

ابن الاثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، بی جا، بیروت، دارصادر، بی تا، افست بیروت،

دارالفکر، ۱۴۰۲ ق

ابن حجر، احمد بن علی؛ تهذیب التهذیب، بی جا، بی جا، دارالکتاب الاسلامی لاهیات و نشر التراث

الاسلامی، بی تا

ابن خلدون، عبدالرحمن (ت ۸۰۸ق)، مقدمة ابن خلدون، بی جا، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ البداية والنهاية، ط ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق

ابن هشام حمیری، عبدالملک؛ سیرة النبی (ص)، بی جا، مصر، مکتبه محمد بن علی صبیح، واولاده، ۱۳۸۳ ق

امین عاملی، سید محسن؛ اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، بی تا

برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن، بی جا، تهران، دار الکتب الاسلامی، بی تا

بغدادی، اسماعیل پاشا؛ ایضاح المکتون، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا

ترمذی، عیسی بن محمد؛ سنن الترمذی، ج ۵، بی جا، استانبول، گاگری یابینلار، ۱۴۰۱ ق

حاجی خلیفه؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا

حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، ط ۵، بیروت، داراحیاء

التراث العربی، ۱۴۰۳ ق

خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ تاریخ بغداد، بی جا، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا

ذهبی، محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء، ط ۷، بیروت، مؤسسة الرساله، بی تا

زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام، ط ۷، بیروت دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶ م

سهیلی، الروض الأنف، بی جا، القاهرة، مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۱۰ ق

کحّاله، عمر رضا؛ معجم المؤلفین، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار، ط ۲، بیروت، مؤسسة الوفاء،

۳ و ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا

مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب و المعاون الجواهر، ج ۲، ط ۲، مصر، مؤسسة السعادة، ۱۳۸۴ق

ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی جا، تهران، بی تا، ۱۳۵۰ش و بی جا،

بیروت، دارالمعرفه، بی تا

نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستطب الوسائل، بی جا، بیروت، مؤسسة آل البيت لاحیاء

التراث، بی تا



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پژوهش نامه قرآن و حدیث